



مراحل هفت گانه سلوک تا شهود عرفانی در پرتو مقاومت عرفانی میسر است

انسان‌های سالک صادق کوی حق تعالی از زمره کسانی اند که تقرب به اباعبدالله (ع) و دوری جستن از دشمنان آن امام که دشمن اسلام ناب هستند را بصورت ترکیبی در شخصیت خود جمع کرده اند.

انسان‌های سالک صادق کوی حق تعالی از زمره کسانی اند که تقرب به اباعبدالله (ع) و دوری جستن از دشمنان آن امام که دشمن اسلام ناب هستند را بصورت ترکیبی در شخصیت خود جمع کرده اند.

به گزارش خبرگزاری مهر، زیارت عاشورا زیارت نامه ای است که برای زیارت امام حسین (ع) و دیگر شهدای کربلا در روز عاشورا خوانده می شود. این زیارتنامه حدیث قدسی است و از امام محمد باقر (ع) نقل شده است. حجت الاسلام محمدجواد رودگر عضو هیأت علمی گروه عرفان و معنویت پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در یادداشتی با عنوان نهضت حسینی اُسوه عرفان مقاومتی به تبیین معارف این زیارت نامه پرداخته است:

زیارت عاشورا یکی از منابع نغز و پرمغز عرفان مقاومتی و مقاومت عرفانی است، زیارتی که در آن از عناصری مانند: ۱. معرفت ۲. معیت ۳. سنخیت ۴. عندیت ۵. برائت درهم تنیده و ترکیب منطقی و کارآمد شده اند، همانگونه که در فرازی از فرازهای زیارت عاشورا می خوانیم: «قَالَ اللَّهُ الَّذِي أَرْكَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَمَعْرِقَةِ أَوْلِيَائِكُمْ، وَ رَزَقَنِي الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (و درخواست کنم از خدایی که مرا گرامی داشت بوسیله معرفت شما و معرفت دوستانتان و روزیم کند بیزاری جستن از دشمنانتان را به اینکه قرار دهد مرا با شما در دنیا و آخرت و پابرجا دارد برای من در پیش شما گام راست و درستی (و ثبات قدمی) در دنیا و آخرت) در این فراز طلب کرامت و رزق معرفت «و به» امام حسین (ع) و دوستانش، معیت «و با» امام و دوستانش در دنیا و آخرت و خدای متعال شد و درخصوص پابرجا و ثبات قدم راستی و درستی داشتن در دنیا و آخرت با تعبیر «و نزد» آمده است و در این میان بعد از «تولی» سخن از «تبری» با تعبیر «و از» دشمنان امام حسین (ع) نیز به میان آمد تا نشان دهد که انسان‌ها با توجه به عنصر تولی یا جاذبه و تبری یا دافعه از چهار حالت خارج نیستند:

۱. جاذبه دارند و دافعه ندارند ۲. دافعه دارند و جاذبه ندارند ۳. نه جاذبه دارند و نه دافعه ۴. هم جاذبه دارند و هم دافعه که تنها گروه چهارم از اعتدال مزاج و تعادل منطقی در تعالی وجودی و رشد حقیقی برخوردارند، گروه سوم انسان‌های خنثی و بی تفاوت و در نتیجه بی اثر هستند و گروه اول و دوم نیز از جهتی دارای نقص وجودی اند. بنابراین هرکدام از واژه‌های «و به» و «و از» و «و نزد» و «و با» و «و تولی» و «و تبری» کاربرد و معناداری خاص به خود را دارد و گروه چهارم در سایه معرفت، معیت و محبت و برائت همواره رو به کمال نوعی خود هستند و مقاومت «و از» در هر چهار عنصر یاد شده از الزامات سلوکی در تمامی مراحل سبک زندگی آنان هست.

بدین سان است که چنین انسان‌های سالک صادق کوی حق تعالی از زمره کسانی اند که تقرب به اباعبدالله (ع) و دوری جستن از دشمنان آن امام که دشمن اسلام ناب و خط محمد و آل محمد (ص) هستند را بصورت ترکیبی در شخصیت وجودی خود جمع کرده اند که در فراز ذیل قابل درک و مشاهده هست: «بَرِّئْتُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ، وَ اتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ إِلَيْكُمْ يَوْمَ الْآلَاتِكُمْ وَ مَوَالِئِكُمْ، وَ الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ النَّاصِبِينَ لَكُمْ الْحَرْبَ، وَ الْبِرَاءَةَ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَ أَتْبَاعِهِمْ. إِيَّي سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، وَ وَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكُمْ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ» (بیزاری جویم خدا و به پیشگاه شما از ایشان و تقرب جویم بسوی خدا سپس بشما بوسیله دوستیتان و دوستی «و با» دوستان شما و به بیزاری از دشمنانتان و برپا کنندگان (و آتش افروزان) جنگ با شما و به بیزاری «و از» یاران و پیروانشان من در صلح و سازش با کسی که با شما در صلح است و در جنگم با کسی که با شما در جنگ است و دوستم با کسی که شما را دوست دارد و دشمنم با کسی که شما را دشمن دارد) و اینگونه زیستن و مردن، نیاز به مقاومت مستمر و بدون وقفه در تمامی مراحل زندگی و قبض و بسط‌های زیستاری است.

این دسته از انسان‌های عاقل و رشد یافته نیز مشرب زندگی آنها مصداق ترکیبی فراز ذیل می باشد: «إِنِّي اتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى رَسُولِهِ وَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ إِلَى فَاطِمَةَ وَ إِلَى الْحَسَنِ وَ إِلَيْكُمْ يَوْمَ الْآلَاتِكُمْ، وَ الْبِرَاءَةَ مِنْكُمْ فَاتْلُكُمْ وَ تَصَبَّ لَكُمْ الْحَرْبَ، وَ الْبِرَاءَةَ مِنْكُمْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَ الْجَوْرِ عَلَيْكُمْ، وَ أَثَرًا إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى رَسُولِهِ مِنْكُمْ أَسَاسَ ذَلِكَ، وَ بَنَى عَلَيْهِ بُنْيَانَهُ، وَ جَرَى فِي ظُلْمِهِ وَ جَوْرِهِ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى أَشْيَاعِكُمْ» (من تقرب جویم به درگاه خدا و پیشگاه رسولش و امیرالمؤمنین و فاطمه «و با» و حسن و شما بوسیله دوستی تو و بوسیله بیزاری از کسی که با تو مقاتله کرد و جنگ با تو را برپا کرد و به بیزاری جستن از کسی که شالوده ستم و ظلم «و با» بر شما را ریخت و بیزاری جویم بسوی خدا و بسوی رسولش از کسی که پی ریزی کرد شالوده این کار را و پایه «و با» گذاری کرد بر آن بنیانش را و دنبال کرد ستم و ظلمش را بر شما و بر پیروان شما) آنگاه سلم و

حربشان فرازمانی و فراتاریخی است که در این فراز متبلور است: «إِنِّي سَلِّمُ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَ حَرِّبُ لِمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (من تسلیمم و در صلحم؛ با کسی که با شما در صلح است و در جنگم با هر کس که با شما در جنگ است تا روز قیامت) یعنی هرگز بی تفاوت نبوده و اهل انفعال نیستند، بلکه زندگی مکتبی و مسلکی داشته و ارزش ها و ضد ارزش ها، نمایندگان ارزشها و ضد ارزشها، مظاهر عدل و ظلم و حق و باطل در دایره زندگی آنها از تعریفی کاملاً مشخص برخوردار است و آنان در متن زندگی خویش نسبت به آنها موضع شفاف و اقدام به هنگام و روشنی دارند که در نتیجه اهل مجاهدت و مقاومت هستند.

لذا در حیات طویه آنان؛ «برائت» و «حرب» در کنار «ولایت» و «سلم» قرار دارد تا حیات متوازن و زندگی متعادل را در تمامی ازمه و امکان، اعصار و امصار تجربه کنند. بدین جهت است که زندگی مومنان و دیندارانهمبستگی بر: ۱. آگاهی و عقلانیت ۲. عشق و مبارزه مداوم آنها واجد دو مؤلفه کلان است:

الف) «قَالَ اللَّهُ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَ أَكْرَمَنِي يَكْ، أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْخُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ» (پس می خواهم از آن خدایی که گرامی داشت مقام تو را و گرامی داشت مرا بخاطر تو که روزیم گرداند خونخواهی تو را در رکاب آن امام؛ باری شده از خاندان محمد صلی الله علیه و آله خدایا قرار ده مرا نزد خودت آبرومند بوسیله حسین علیه السلام در دنیا و آخرت ای ابا عبدالله)

ب) «وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ، وَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِي (ثارگم) مَعَ إِمَامٍ هَدَى (مهدی) ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ» (و از او خواهم که برساند مرا به مقام پسندیده شما در پیش خدا و روزیم کند خونخواهی شما را با امام راهنمای آشکار گویای [به حق؛ rlm]) که از شما (خاندان) است و از خدا خواهم به حق شما و بدان منزلتی که شما نزد او دارید) تا در پرتو دو مؤلفه یاد شده سراسر زندگی آنان تجلیگاه این فراز زیارت عاشورا باشد: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ مَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» (خدایا قرار ده زندگی محمد و آل محمد و مرگم را مرگم؛ rlm) محمد و آل محمد) و چه عرفانی در دو ساحت نظری و عملی بهتر از عرفانی که حیات و ممت عارف را با محمد و آل محمد علیهم السلام پیوند زند و در سرشت و سرنوشت آنان حقیقت محمدیه (ص) تقدیر شده و تحقق یابد و پیوند ناگسستنی و اتصال وجودی با امام حسین (ع) آن مصباح هدایت و کشتی نجات که حلقه وصل محمد مصطفی خاتم الانبیا (ص) و امیرالمومنین آدم اولیا الله (ع) با مهدی موعود موجود خاتم الاوصیاء (عج) است، متن زندگی سالک الی الله و عارف بالله باشد و با نام و یاد حسین (ع) به مکتب نبوی، علوی و مهدوی متصل شود.

پس: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ، عَلَيْكَ مِثِّي سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ، وَ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِثِّي لِزِيَارَتِكَ، السَّلَامُ عَلَى الْخُسَيْنِ وَ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْخُسَيْنِ وَ عَلَى أَوْلَادِ الْخُسَيْنِ وَ عَلَى أَصْحَابِ الْخُسَيْنِ» (سلام بر تو ای ابا عبدالله و بر روانهایی که فرود آمدند به آستان، بر تو از جانب من سلام خدا باد همیشه تا من زنده ام و برپا است شب و روز و قرار ندهد این زیارت را خداوند آخرین بار زیارت من از شما سلام بر حسین و بر علی بن الحسین و بر فرزندان حسین و بر اصحاب و یاران حسین) اینگونه هست که استدعا و طلب دائمی اصحاب صراط مستقیم سلوک و ارباب شهود صادق و زمزمه ذات، ضمیر و زبانیشان این است که: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْخُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ، وَ تَبَيَّنْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْخُسَيْنِ وَ أَصْحَابِ الْخُسَيْنِ، الَّذِينَ بَدَّلُوا مَهَجَهُمْ ذُونَ الْخُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (خدایا روزیم گردان شفاعت حسین؛ rlm) علیه السلام را در روز ورود (به صحرای قیامت) و ثابت بدار گام راستیم را در نزد خودت؛ rlm) با حسین؛ rlm) علیه السلام و یاران حسین آنانکه بی دریغ دادند جان خود را در راه حسین علیه السلام؛ rlm). در فرازهای متکثر اما منظومه ای زیارت عاشورا دانسته و یافتیم که جاذبه ودافعه جز لاینفک دین شناسی و دینداری واقعی است و تویی و تبری جانمایه دینداری و نشانه زیست مومنانه مسئولیت پذیرانه خواهد بود. مراحل هفت گانه سلوک تا شهود عرفانی در پرتو مقاومت عرفانی میسر است

در مجموع به نظر می رسد مراحل هفتگانه: ۱. معرفت ۲. محبت ۳. تبعیت ۴. سنخیت ۵. معیت ۶. عنایت ۷. اتحاد با ولایت، مراحل سلوک تا شهود عارفانی است که اهل مقاومت در طی مراحل عرفانی و پیمودن مقامات معنوی تا نیل به فتوحات غیبی باشند و اهل «مراقبت نفس» که بذر ولایت است را از آغاز تا انجام و فرجام سلوک رعایت می کنند و حقیقت یاد شده برای تبدیل شدن به واقعیت عینی تنها در پرتو عرفان مقاومتی و مقاومت عرفانی میسر و ممکن خواهد بود.